

- 1 Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology, Azarbaijan Shahid Madani University (Corresponding Author); Email: ahmadusefzadeh@yahoo.com
2 Ph. D. in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz.
3 Ph. D. Student in Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تطبیقی تعهد متعهد به همکاری در اجرای تعهد دفعه و حقوق ایران و قراردادهای تجاری بین‌المللی

احمد یوسف‌زاده^۱

سروش رستم‌زاد اصلی^۲

تاریخ دریافت ۹۸/۰۷/۲۰ - تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰/۱۳ سیدایمان میریان^۳

چکیده

هدف طرفین از ایجاد تعهد، اجرای آن است و اجرای تعهد بر عهده متعهد است. اما مواردی وجود دارد که یا اصولاً اجرای تعهد بدون همکاری متعهد امکان‌پذیر نیست و یا بدون همکاری وی، تعهد به نحو مطلوب اجرا نخواهد شد. این مسئله امروزه در قراردادهای تجاری بین‌المللی، مورد توجه است. بر این اساس، چالش اصلی این مقاله عبارت است از بررسی مبنای تعهد متعهد به همکاری در اجرای تعهد و همچنین جایگاه آن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصول قراردادهای اروپایی و حقوق ایران. در انتها مشخص خواهد شد که این تعهد در اصول قراردادهای بین‌المللی و اصول قراردادهای اروپایی تصریح شده و در کنوانسیون بیع بین‌المللی به طور ضمنی از ماده (۶۰) قابل برداشت است. در فقه و حقوق ایران به این تعهد تصریح نشده است، هرچند که مصادیقی از آن در خودداری متعهد از قبول اجرای مطابق با قرارداد و وضعیتی که در آن به دلیل اقدام متعهد، اجرای تعهد ناممکن می‌گردد دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: اجرای تعهد، همکاری متعهد، اجرای قرارداد، حسن نیت، قراردادهای تجاری بین‌المللی.



۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

ahmadusefzadeh@yahoo.com

۲. دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.



مقدمه

قانون‌گذار با تنظیم حقوق قراردادهای و دادگاه با تنظیم تعهدات، تفسیر و به اجرا درآوردن آنها، افراد را قادر به ایجاد التزام‌های معتبر برای همکاری با یکدیگر کرده و با اجرای تعهدات به صورت بهینه انگیزه‌هایی برای همکاری کارآمد ایجاد می‌کند. از نظر تحلیل اقتصادی، همکاری زمانی کاراست که متعهد در سطحی کارا در انعقاد و اجرای قرارداد سرمایه‌گذاری و نیز متعهدله در سطحی کارا به آن اتکا کند. بنابراین از منظر تحلیل اقتصادی، اهداف حقوق قراردادهای را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

- ۱- قادر کردن افراد به همکاری؛
- ۲- تشویق به ارائه‌ی بهینه‌ی اطلاعات در روابط قراردادی؛
- ۳- تضمین التزام بهینه به اجرا؛
- ۴- تضمین اتکای بهینه؛
- ۵- به حداقل رساندن هزینه‌ی مبادلاتی ناشی از مذاکره برای انعقاد قرارداد از طریق فراهم کردن شروط تکمیلی و مقررات کارا؛
- ۶- ترویج ارتباطات بادوام که مسئله همکاری را با اتکای بهینه بر قرارداد حل کند (کوتر و تامس، ۱۳۸۸: ۳۱۳).

اهداف مزبور نشان‌دهنده‌ی این مسئله است که طرفین قرارداد، نه در موقعیت تعارض و دشمنی، بلکه در موقعیت تفاهم و همکاری فرض شده‌اند و اصولاً هدف حقوق قراردادهای تبدیل تعارضات موجود به توافق است. در این راستا قانون‌گذاران از طریق وضع قواعدی حقوقی همچون لزوم حداکثر تلاش در اجرای تعهد، حسن‌نیت، رفتار منصفانه و...، تلاش کرده‌اند تا به هدف فوق دست یابند. یکی از راهکارهای به کارگرفته شده در حقوق خارجی که در حقوق ایران توجه چندانی به آن نشده، تعهد به همکاری در اجرای قرارداد





است؛ قلمرو این تعهد، هر دو سوی تعهد یعنی هم متعهد و هم متعهدله را دربر می گیرد. سؤالی که مطرح است این است که چنین تعهدی را بر چه مبنایی باید استوار کرد؟ جهت پاسخ به سؤال این پژوهش در چند بند تنظیم شده است. در بند اول مقصود از مفاهیم اصلی موضوع تحقیق ارائه می شود. سپس در بند دوم مبنای تعهد در چند قسمت بررسی می شود. در بند سوم جایگاه موضوع در حقوق ایران و اسناد بین المللی موجود در حوزه تجارت بین الملل مورد مطالعه قرار می گیرد و در نهایت یافته های پژوهش ارائه می شود.

۱. تعاریف

فهم مبنای تعهد همکاری در اجرای تعهد مقدماً مستلزم ارائه تعریف از ارکان اصلی تحقیق یعنی اجرای قرارداد و همکاری است که در دو قسمت به آن پرداخته می شود.

۱-۱. اجرای قرارداد

اجرا از ریشه ی «ج ر ی» و مصدر باب افعال است و در لغت به معنی به جریان انداختن، به حرکت در آوردن و رساندن کسی به نیازش معنی شده است و با وجود اینکه واژه های «اجرا» و «تعهد» عربی اند، اما در کتاب های حقوقی عربی، اصطلاح «اجرا التعهد» یا «اجرا الالتزام» استعمال نمی شوند و در کتب فقهی نیز غالباً واژه (انفاذ) به کار برده شده است. اجرا مفهومی وسیع تر از اجرای تعهد است چراکه کاربرد قانون و حکم، همه مصادیق دستور، سند رسمی و تعهد را شامل می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۵). ولی اجرای تعهد آن است که متعهد آنچه را به موجب قانون یا قرارداد بر عهده دارد انجام دهد. این امر در حقوق ما معادل ایفای تعهد یا وفای به عهد است.^۴ اجرای تعهد قراردادی، اخص از اجرای تعهد است که در حقوق ایران و فرانسه از اسباب سقوط تعهد است و مفهوم اجرای تعهد قراردادی انجام تعهدات ناشی از عقد است ولی ما در این تحقیق مفهوم اجرای تعهد را ایفای تعهد ناشی از عمل حقوقی می دانیم که مصداق بارز آن اجرای تعهد قراردادی است





و از طرفی به مفهوم واقعی اجرای تعهد که منحصر به مرحله اجراست تکیه نداریم بلکه اجرای تعهد را در مرحله پیدایی تعهد به صورت یک قابلیت اجرا فرض می‌کنیم.

۲-۱. همکاری متعهدله در اجرای تعهد

همکاری در اصطلاح حقوقی عبارت است از ارتباط با دیگری به منظور کسب سود دوجانبه یا تشریک در مسئولیت و هزینه‌ها. (Garner, 2019: 404) معمولاً همکاری متعهدله در اجرای تعهد با توجه به اینکه اصولاً اجرای تعهد بر عهده متعهد آن است، موضوعیت پیدا نمی‌کند. لیکن فروضی متصور است که در آن‌ها، در صورت عدم همکاری متعهدله، اصولاً انجام تعهد میسر نخواهد بود. بر این اساس، در تعریف تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد می‌توان گفت: «الزام متعهدله به همکاری در مورد تعهداتی که اجرای آن، بدون مساعدت و همکاری متعهدله ممکن نیست.» تعهد همکاری در اجرای تعهد در اسناد بین‌المللی شناسایی شده است. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در این خصوص بیان داشته است:

«در صورتی که برای انجام تعهدات طرف دیگر، انجام همکاری به‌طور معقول و متعارف قابل انتظار باشد، هر طرف باید با طرف دیگر همکاری کند.»^۵

همچنین اصول قراردادهای اروپایی در این خصوص بیان داشته است که:

«هر طرف قرارداد، به‌منظور اجرای کامل عقد، مکلف به همکاری با طرف دیگر است.»^۶

تعهد همکاری متشکل از دو بعد منفی و مثبت است. در وجه منفی این تعهد ایجاب می‌نماید شخص مانع از اجرای تعهد طرف مقابل نشود. در مقابل، در وجه مثبت شرایطی مطرح است که اقدامات فعال‌تری را از شخص طلب می‌کند. باینکه فلسفه اصلی تعهد همکاری در وجه منفی ظاهر می‌شود ولی در مواردی همکاری فعال‌تری از شخص

۱ ماده (۳-۵) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در باب (همکاری بین طرفین).

۲ بر مبنای اخطار مؤثر بر ای جبران عدم اجرا، حقوق طرف زیان دیده که ناهماهنگ با اجرای تعهد از سوی طرف مسئول عدم اجراست، تا انقضای زمان جبران عدم اجرا، معلق می‌شود.





مورد انتظار است. قسمت اول نمونه توضیحی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ماده (۳)-

۵-۱) مثال زیر را در خصوص بعد منفی تعهد همکاری ذکر کرده است:

«الف بعد از انعقاد قرارداد با ب جهت تحویل سریع مقدار معینی نفت، همه نفت در دسترس و موجود در نقاط بازی را از منابع دیگر خریداری می‌نماید. چنین رفتاری باعث می‌شود ب نتواند به تعهد خود در اجرای تعهداتش عمل کند از این رو رفتار وی در تضاد با تعهد همکاری است.»

قسمت دوم ماده مذکور نمونه زیر را برای تعهد مثبت بیان کرده است:

«الف که یک گالری هنری در کشور X است تابلوی نقاشی متعلق به قرن شانزدهم را از ب خریداری می‌کند که ساکن و تبعه کشور Y است. تابلوی نقاشی به لحاظ قدمت خود نمی‌تواند بدون اخذ مجوز از کشور خارج شود و طبق قرارداد نیز ب مسئول تهیه و درخواست مجوز است. ب که در طی کردن چنین فرایندی فاقد تجربه است با مشکلات جدی در اخذ مجوز مواجه است در حالی که الف با چنین درخواستی آشنا است. در چنین مواردی و علی‌رغم وجود مقررۀ قراردادی، از الف انتظار می‌رود که حداقل کمک‌هایی به شخص ب در طی فرایند انجام دهد.»

تعهد همکاری معمولاً به عنوان یکی از جلوه‌های مهم تعهد حسن نیت قلمداد می‌شود. با اینکه مقصود از تکلیف حسن نیت در اسناد حقوقی واضح نیست ولی قدر متقین این است که طرفین قرارداد لازم است الزامات رفتار منصفانه را در ارتباط با یکدیگر رعایت نمایند. این الزامات بسته به اینکه در چه مرحله‌ای مطرح می‌شود می‌تواند اشکال متنوعی به خود بگیرد. برای نمونه در مرحله پیش قراردادی تعهد دادن اطلاعات یکی از جلوه‌های مهم حسن نیت است در حالی که در اجرای قرارداد تعهد همکاری یکی از مصادیق مهم این تعهد قلمداد می‌شود. لیکن، با وجود ارتباط وثیق بین این دو باید به تفاوت‌های تعهد به حسن نیت و تعهد به همکاری در اجرای تعهد نیز توجه داشت و نبایستی تمامی مواردی که زیرمجموعه تعهد به حسن نیت قرار می‌گیرند را در زمره تعهد به حسن نیت دانست. در واقع، نسبت منطقی بین تعهد به حسن نیت و تعهد به همکاری در اجرای تعهد، عموم و خصوص من وجه است، چرا که هر دو تعهد با وجود داشتن برخی قلمروهای مشابه که در





آن، یک فعل، هم ناقض تعهد به حسن نیت بوده و هم ناقض تعهد به همکاری، اما مصادیقی نیز وجود دارد که فعل یا ترک فعل صورت گرفته تنها مصداق نقض یکی از دو تعهد فوق است. درواقع، حسن نیت به معنای صداقت واقعی و رفتار صادقانه است، هرچند که کوتاهی و مسامحه در آن صورت گرفته باشد، اما در تعهد به همکاری، نفس صداقت واجد اهمیت نبوده و اقدامات متعهدله بایستی بدون کوتاهی و مسامحه صورت گرفته باشد، زیرا مشخص است که کوتاهی متعهدله یا مسامحه وی می‌تواند منجر به مسئولیت وی در عدم اجرای تعهد گردد.

۲. مبنای تعهد همکاری متعهدله

پذیرش تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد این سؤال را مطرح می‌کند که این تعهد بر چه اساسی استوار است. در این خصوص چند نظریه مطرح شده است که به تفکیک ارائه می‌شوند:

۱-۲. حسن نیت

حسن نیت در اجرای قرارداد به معنای وفاداری به عهد، گفتار و همکاری در اجرای تعهدات ناشی از عقود است. به بیان دیگر، متعاملین بعد از انعقاد قرارداد و در مرحله اجرای تعهدات قراردادی باید با حسن نیت رفتار کرده و از سوءنیت در عمل به مفاد قرارداد اجتناب ورزند (اصغری آقمشهدی و ابویی، ۱۳۸۹: ۲). یکی از حقوق دانان در این راستا می‌نویسد:

«منظور از اجرای با حسن نیت، اجرای قرارداد با درستی و امانت و شیوه مطلوب در عرف است و مطابق ضرب المثل معروف فرانسوی، متعهد باید قرارداد را مثل "پدر خوب خانواده" اجرا کند.» (شهیدی، ۱۳۸۲: ۳۱۱).

در حقوق ایران تعهد به رعایت حسن نیت به صورت یک قاعده کلی درنیامده است و این قاعده در نوشته‌های فقهی نیز محل چالش است. در این نوشته‌ها نیز به مفهوم حسن نیت صراحتاً اشاره‌ای نشده است و برخی از فقها اصولاً بین فاعل عالم و فاعل جاهل تفاوتی قائل نشده‌اند (دیوسالاری، ۱۳۸۶: ۶۲)؛ اما رگه‌هایی از این مفهوم در قاعده غرور و احسان





یافت می شود؛ قاعده غرور بیان می دارد: «المغرورُ یرجعُ الی مَنْ غرَّه» یعنی فریب خورده به کسی که فریبش داده مراجعه می کند؛ قاعده احسان بیان می دارد: «ما علی المحسنین من سبیل»^۱، یعنی بر نیکوکاران ایرادی نیست (سوره توبه، آیه ۹۱) که می توان برای اثبات تعهد به حسن نیت از آن ها یاری جست، چرا که قاعده غرور، خدعه و فریب را منع می کند؛ موضوعی که در قلمرو تعهد به حسن نیت قرار می گیرد و قاعده احسان نیز اصولاً بر این مبنا قرار گرفته است که شخص محسن ضامن محسوب نمی شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۲۳).

این مبنا در توضیحات ذیل ماده (۳-۱-۵) اصول قراردادهای تجاری بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این ماده قرارداد صرفاً نقطه برخورد بین منافع متعارض نیست، بلکه قرارداد تا حدی به مثابه یک پروژه مشترک است که لازم است طرفین با یکدیگر همکاری نمایند. این تلقی در توافق با اصل حسن نیت و رفتار منصفانه که در کل حقوق قراردادها جریان دارد (ماده ۷-۱) و همچنین تعهد به تقلیل ضرر در صورت عدم اجرای قرارداد است (ماده ۸-۴-۷).

در قانون مدنی ایران مقررهای که صریحاً به تعهد به حسن نیت اشاره داشته باشد وجود ندارد و تنها در برخی مواد تفاوت هایی بین شخص عالم و جاهل دیده شده است (دیوسالاری، ۱۳۸۶: ۲۳۴)، مانند ماده (۴۳۸) ق.م. در خصوص تدلیس^۲ و ماده (۱۳) قانون بیمه ایران که بیان داشته:

«اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد عقد بیمه باطل نمی شود - در این صورت هرگاه مطالب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع قبل از وقوع حادثه معلوم شود بیمه گر حق دارد یا اضافه حق بیمه را از بیمه گذار در صورت رضایت او دریافت داشته قرارداد را ابقاء کند و یا قرارداد بیمه را فسخ کند...».

علاوه بر این، ماده (۳۵) قانون تجارت الکترونیکی (مصوب ۱۳۸۲) بیان داشته است:





«در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن‌نیت توجه کرد.»
و ماده (۳) همین قانون که بیان می‌دارد:

«در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن‌نیت توجه کرد.»
با توجه به مصادیق فوق می‌توان گفت حقوق ایران نیز مانند سایر کشورها به مسئله حسن‌نیت توجه کرده است.

علاوه بر این به نظر می‌رسد حسن‌نیت در انعقاد قراردادها مورد توجه فقها نیز بوده و در بحث بیوع الامانات مانند بیع مساومه، مباحه، مواضعه و تولیه، رعایت صداقت و درستی طرفین در خبر دادن از ثمن، الزام شده است چنان‌که شهید اول در مورد عقد مباحه، علم به میزان ثمن و سود را شرط دانسته و رعایت صداقت را بر بایع لازم شمرده و ضمانت اجرای عدم صداقت را نیز خیار فسخ برای مشتری مقرر داشته است (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲۱۹). برای استناد به حسن‌نیت در حقوق ایران باید آن را مبتنی بر قواعد فقهی از جمله غرور و احسان بدانیم و تصریح قانون‌گذار به این وظیفه در برخی از قوانین را نشانه‌ای از پذیرش آن از سوی مقنن قلمداد کنیم. (شعاریان، ۱۳۹۰: ۱۱۸) از این منظر مشخص است که همکاری نکردن متعهدله در اجرای تعهداتی که بدون همکاری وی از سوی متعهد قابل اجرا نیستند، در تعارض با لزوم رعایت حسن نیت در انعقاد و اجرای تعهدات است. درواقع، در این فروض عدم اجرای تعهد را می‌توان مستند به ترک فعل متعهدله دانست و لذا، لزوم رعایت حسن نیت در قراردادها را می‌توان به‌عنوان مبنای تعهد متعهدله همکاری در اجرای تعهد پذیرفت. تنها مورد در این خصوص این است که آیا تعریف قانونی حسن نیت و یا منظور طرفین از درج لزوم رعایت حسن نیت در قرارداد به نحوی هست که شامل مفهوم همکاری در اجرای تعهد نیز بشود؟ در پاسخ باید گفت که عدم همکاری در فروضی که منجر به عدم امکان اجرای قرارداد می‌شود، قطعاً از بارزترین مصادیق عدم حسن نیت در اجرای تعهدات است.



۲-۲. رفتار منصفانه

بررسی عنوان‌های مترادف و متضاد با اصطلاح رفتار منصفانه و همچنین برخی از باب‌های فقهی، به‌ویژه باب‌های مرتبط با عقد بیع همچون آداب تجارت، مکاسب محرّمه، خيارات و مانند آن، نشان می‌دهد که فقه شیعه، اصطلاح مزبور را از مفاهیم ذهنی و انتزاعی‌ای دانسته است که نمی‌توان آن‌ها را با روش توصیف و ویژگی‌های خارجی و بیان ذاتیات و عرضیات تعریف کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۷؛ حلی، ۱۴۱۰: ۲؛ محقق حلی، ۱۳۶۶: ۲۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۶)، اما با وجود این، در صدد تعریف آن با دو شیوه «تبیین تفصیلی» و «توضیح مفهوم اصطلاحی» است (قبولی دُرّافشان، ۱۳۸۴: ۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۳).

در شیوه تبیین تفصیلی که اهتمام بیشتری بر آن بوده، تلاش شده است از یک سو، نمونه‌های افعال مثبت که از آن‌ها لزوم رفتار منصفانه در قرارداد انتزاع می‌شود و از سوی دیگر، نمونه‌های افعال منفی که از آن‌ها رفتار غیرمنصفانه یا فریبکارانه در قرارداد انتزاع می‌شود، تبیین گردد. نتیجه تقابل آن‌ها با یکدیگر و به بیانی دیگر، انجام دادن افعال نوع نخست و پرهیز از افعال نوع دوم از سوی طرف‌های قرارداد یا معامله، لزوم رفتار منصفانه در قرارداد را پدید می‌آورد (ر.ش به: محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲۶۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵؛ انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱: ۶؛ خویی، ۱۳۷۷: ۷؛ خمینی، ۱۴۱۰: ۳؛ خمینی، ۱۴۱۸: ۳).

در شیوه توضیح مفهوم اصطلاحی، تعریف مستقّلی در آثار فقهی برای رفتار منصفانه در قراردادها ذکر نشده است و اینکه فقیهان، منابع فقهی را با توجه به این موضوع خاص و رویکرد ادبیاتی و ساختاری مورد مطالعه و پردازش قرار داده باشند تا کنون متداول نبوده است. اما اصطلاح‌های مترادف و متضادی با اصطلاح مذکور در آثار فقهی و همچنین تفاسیر و منابع روایی بیان‌شده که می‌توان تعریف اصطلاحی زیر را برای اصل مزبور بیان کرد: «رفتار منصفانه در قراردادها، رعایت رفتار صادقانه و عادلانه‌ی طرف‌های قرارداد است که بر پایه‌ی توافقاتی صریح یا ضمنی طرف‌ها، اهداف قرارداد و قانون یا عرف، در مراحل مقدماتی مذاکرات، انعقاد، اجرا، تفسیر و ضمانت اجراهای قرارداد اعمال می‌شود».





اصطلاح «رفتارهای منصفانه» نیز در قوانین مصوب ایران به کار نرفته است. با وجود این، مواد مدون در قانون مدنی ایران که از قوانین ماهوی مهم و پایه به شمار می‌رود، به گونه‌ای است که می‌توان توجه قانون‌گذار ایرانی و حقوق‌دانان را به این اصل و همچنین تعریف آن را بر اساس شیوه «تبیین تفصیلی» به دست آورد.^۱ (اخلاقی و امام، ۱۳۸۵: ۲). به علاوه، با استفاده از مواد مزبور می‌توان تعریفی از نوع «توضیح مفهوم اصطلاحی» را مطابق با همان تعریف اصطلاحی در فقه، استنباط و بیان کرد.

با توجه به اینکه مهم‌ترین هدف از ایجاد تعهدات، اجرای آن است؛ انصاف نیز بر لزوم اجرای تعهدات تأکید دارد و لذا، در صورتی که متعهد حاضر به اجرای تعهد خود بوده و برای انجام یا تکمیل آن، عرفاً یا عقلاً نیاز به همکاری متعهدله باشد، به نحوی که بدون همکاری وی راهی برای اجرای تعهد در مقابل متعهد نباشد، انصاف بر لزوم همکاری متعهدله در اجرای تعهد دلالت خواهد کرد.

۲-۳. اراده ضمنی طرفین

اراده رکن اساسی در تحقق عمل حقوقی است به نحوی که در نبود آن بحث از عمل حقوقی منتفی می‌شود. یکی دیگر از مبانی‌ای که می‌توان تعهد متعهدله به همکاری در اجرای قرارداد را بر آن استوار کرد، استناد به اراده ضمنی طرفین است. مطابق این تئوری به طور معمول دو طرف با آغاز گفتگوهای مقدماتی، پیمان می‌بندند که در تعیین شرایط و ویژگی‌های معامله با یکدیگر همکاری کنند. شکستن چنین پیمانی تقصیر شمرده شده و موجب مسئولیت خواهد بود (طالب احمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). به بیان دیگر، اراده ضمنی طرفین این است که نقش اصلی متعهد در اجرای تعهد به معنای این نیست که متعهدله هیچ نقشی در اجرای این تعهد نخواهد داشت. مطابق این اراده ضمنی در صورتی که اجرای تعهد از سوی متعهد مستلزم همکاری متعهدله باشد وی ملزم است در راستای تحقق تعهد آنچه را که متعارف است انجام دهد و در صورتی که از همکاری امتناع ورزد عدم اجرای تعهد نمی‌تواند منتسب به متعهد شود. (شعاریان، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

۱ از جمله: مواد: (۲۳۵)، (۲۳۸)، (۲۵۲)، (۳۰۳)، (۳۵۴)، (۴۱۶)، (۴۲۲)، (۴۳۸) و (۴۳۹) قانون مدنی ایران.



۲-۴. عدم امکان اجرای تعهد

مهم‌ترین مبنای لزوم همکاری متعهدله در اجرای تعهد در برخی فروض، عدم امکان مطلق اجرای آن توسط متعهد، بدون همکاری متعهدله و در برخی فروض دیگر، عدم امکان اجرای کامل تعهدات است. در واقع، مهم‌ترین مبنای موجود امری عقلی است که هر انسان سلیمی آن را می‌پذیرد، در واقع، بنای طرفین در تعهداتی که تنها توسط متعهد امکان اجرا ندارد، بر این استوار است که تعهد با همکاری متعهدله اجرا شود و در غیر این صورت، تعهد مزبور غیرقابل اجرا خواهد بود. تفاوت این مورد با اراده ضمنی طرفین این است که در عدم امکان اجرای تعهد بدون همکاری متعهدله، لزومی نیست که طرفین بر لزوم همکاری متعهدله آگاهی داشته و یا این امر مستند به اراده ضمنی آن‌ها باشد، بلکه این مسئله عقلی بوده و به اصطلاح، تکلیف مالایطاق بر متعهد است. مقدورالتسلیم بودن مورد معامله نیز یکی از شرایط صحت قرارداد است و تعهدی را که امکان اجرای آن وجود ندارد، باید باطل شمرد. قانون مدنی ایران در ماده (۳۴۸)، بیع چیزی را که بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد، باطل دانسته است. گرچه این شرط در مبحث بیع ذکر شده، اما نباید موجد این توهّم گردد که شرط مذکور مختص عقد بیع است، بلکه جزء قواعد عمومی قراردادها است که قانون مدنی به تبعیت از پیشینیان، آن را در باب بیع که نمونه کامل دادوستد است آورده است. این مورد در حقوق کامن‌لا ذیل عنوان عدم امکان اجرای تعهد مورد توجه قرار گرفته است (صالحی مازندرانی و استادی پور، ۱۳۹۳: ۷۳).

در انتها باید توجه داشت، در کلیه فروضی که اجرای تعهد بدون همکاری متعهدله ممکن بوده و یا بدون همکاری وی تنها موجب دشواری در اجرای تعهد می‌گردد، تنها در صورتی می‌توان متعهدله را به همکاری در اجرای تعهد واداشت که اراده صریح یا ضمنی طرفین بر لزوم همکاری وی تعلق گرفته باشد و یا قانون‌گذار و یا طرفین قرارداد، تعهد به همکاری متعهدله در مواردی که عدم همکاری متعهدله تنها موجب دشواری در اجرای تعهد می‌شود را ذیل مفهوم حسن نیت و یا انصاف گنجانده باشند. در غیر این صورت نایستی چنین تکلیفی را بر متعهدله بار نمود.





۳. جایگاه تعهد همکاری در اسناد تجاری بین‌المللی

پس از آشنایی با تعریف تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد و بررسی مبانی این تعهد، در این قسمت به بررسی جایگاه آن در اسناد بین‌المللی موجود در زمینه بیع بین‌المللی و قراردادهای تجاری بین‌المللی خواهیم پرداخت.

۳-۱. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

تعهد به همکاری مقرر در ماده (۳-۳-۵) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی منصوص گردیده است. این ماده مقرر می‌دارد:

«(۱) در صورتی که یکی از طرفین، برخلاف تعهد حسن نیت و معامله منصفانه یا تعهد همکاری با طرف دیگر، مانع تحقق یک شرط شود، وی نمی‌تواند به عدم تحقق شرط استناد کند.

(۲) در صورتی که یکی از طرفین، برخلاف تعهد حسن نیت و معامله منصفانه یا تعهد همکاری با طرف دیگر، باعث تحقق شرط شود، وی نمی‌تواند به تحقق شرط استناد کند.»
بنابراین، این ماده مستلزم آن است که خریدار با فروشنده همکاری نموده و اجازه جبران به موجب ماده (۷-۱-۴) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی را بدهد.^۱ این ماده در تفسیر قواعد کنوانسیون بیع بین‌المللی نیز مؤثر است، برای مثال، اگر خریدار بدون دلیل از پذیرش جبران مقرر در ماده (۳۷) کنوانسیون بیع بین‌المللی خودداری نماید، حق بر غرامت‌ها و راهکارهای جبرانی قضایی خود را برای عدم ایفای تعهد از دست می‌دهد (Bianca & Bonell, 1987, Art. 37, 3.2). به علاوه، خریدار ملزم به ارزیابی کالاهای به موجب ماده (۳۸) کنوانسیون بیع بین‌المللی و اطلاع‌رسانی به موجب ماده (۳۹) است تا ماهیت فقدان مطابقت را تعیین کرده و محق به دریافت جبران شود (Bianca & Bonell, 1987, Art. 37, 3.2). باین حال، روشن نیست که آیا تعهد به ارزیابی مقرر در ماده (۳۸)، تنها با رسیدن موعد تحویل شکل می‌گیرد یا نه. در این خصوص باید توجه نمود که بدون

۱ با وجود جبران عدم اجرا، طرف زیان دیده حق خود را برای مطالبه خسارات ناشی از تأخیر و نیز خسارات صدمات ناشی از جبران عدم اجرا یا صدمات که جبران عدم اجرا را برطرف نکرده است، حفظ می‌کند.





آگاهی از عدم مطابقت، فروشنده از حق تعمیر محروم خواهد شد و لذا، مطابق با اصل کلی همکاری مقرر در ماده (۳-۳-۵) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تعهد خریدار به موجب مواد (۳۸) و (۳۹) کنوانسیون بیع بین‌المللی منوط به رسیدن موعد تحویل نیست (Houtte & Wautelet, 2001: 293).

۳-۲. اصول قراردادهای اروپایی

در اصول قراردادهای اروپایی، تکلیف همکاری جزء تکالیف عمومی طرفین محسوب می‌شود. در اصول اروپایی نیز همانند تمام نظام‌های حقوق ملی اتحادیه اروپا و سایر اسناد فراملی نظیر اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصل آزادی قراردادهای به عنوان یک اصل کلی در حقوق قراردادهای مورد پذیرش قرار گرفته است. در اصول مزبور این اصل، هم در مرحله انعقاد قرارداد و هم برای تعیین مفاد آن مورد پذیرش قرار گرفته است (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰). بند (۱) ماده (۱۰۲: ۱) اصول اشعار می‌دارد که:

«طرفین در انعقاد قرارداد و تعیین مفاد آن، با در نظر گرفتن اصل حسن‌نیت و معامله منصفانه و قواعد الزامی ایجاد شده توسط این اصول آزادند.»

از طرف دیگر بند (۲) این ماده امکان مستثنا کردن قابلیت اعمال هر یک از مقررات اصول یا عدول از آن‌ها یا تغییر آثار آن‌ها را (جز در مواردی که خلاف آن در خود اصول مقرر شده باشد) پیش‌بینی کرده است (Lando & Hugh, 1999: 378). در بند (۱) ماده (۱۰۵: ۱) اصول قراردادهای اروپایی نیز به طرفین قرارداد اجازه داده شده است که در مورد عرف و عادات حاکم بر قرارداد فی‌مابین توافق حاصل کنند. (Lando & Hugh, 1999: 378)

باید توجه داشت که علی‌رغم پذیرفته شدن اصل آزادی قراردادی (اصل حاکمیت اراده) در اصول اروپایی استثنائاتی نیز از ناحیه خود اصول بر این اصل وارد شده است. (van Kotten, 2006: 52) از جمله این استثنائات، رعایت اصل حسن‌نیت و معامله منصفانه و تعهد به همکاری در اجرای قرارداد است. اهمیت این اصل به اندازه‌ای است که بند (۲) ماده (۱۰۲: ۱) اصول اروپایی، طرفین قرارداد را ملزم به پذیرش آثار این اصل کرده است؛ بنابراین طرفین قرارداد نمی‌توانند به استناد اصل آزادی قراردادهای، حتی حدود اعمال اصل





حسن نیت را از طریق توافق، محدود کنند (Lando, 2001: 361)؛ یعنی مثلاً یکی از طرفین قرارداد نمی تواند با اتکا به اصل حاکمیت اراده، شرط عدم اختیار فسخ در صورت آشکار شدن تدلیس را به طرف دیگر تحمیل کند.

۳-۳. کنوانسیون بیع بین المللی کالا (کنوانسیون وین)

این سند به صورت مشخص از تعهدی تحت عنوان همکاری متعهدله در انجام تعهد نام برده است ولی ماده (۶۰) این سند می تواند بیان گر جلوه ای از تعهد مورد نظر باشد. ماده (۶۰) کنوانسیون مقرر داشته است:

«وظیفه خریدار برای قبض کالا شامل موارد ذیل می شود: الف. انجام کلیه اقداماتی که به طور معمول از وی انتظار می رود به منظور اینکه فروشنده را قادر نماید تا تحویل را محقق سازد؛ و ب. تحویل گرفتن کالا.»

همان طور که ملاحظه می شود، بند اول این ماده متضمن تعهد خریدار به همکاری در قبض کالا است. اصولاً در قراردادهای بیع بین المللی، در مواردی تعهدات مختلفی بر عهده خریدار است که در صورت عدم اجرای آن ها، امکان اجرای تعهد فروشنده به تسلیم کالا ممکن نیست. با توجه به اینکه قواعد تفصیلی مربوط به تسلیم و تحویل کالا در کنوانسیون مشخص نشده، اکثر دادگاه ها تعهدات طرفین در این مورد را با مراجعه به قواعد اینکوترمز مشخص می کنند. بر طبق نسخه اینکوترمز ۲۰۲۰ تحویل زمانی کامل است که فروشنده کالا را بنا به درخواست خریدار در دسترس وی قرار دهد، این تحویل باید در محل توافق شده یا توسط وسیله حمل توافق شده، در زمان و یا در طول زمانی که توسط طرفین بر آن توافق شده صورت گیرد تا بتوان گفت تحویل مطابق با شرایط اینکوترمز صورت گرفته است. (Incoterms, 2020: 10) «مؤثر» را نیز می توان به این صورت تعریف کرد که: فروشنده کنترل مؤثر کالا را به خریدار منتقل کند. برخلاف آنچه در حقوق داخلی مرسوم است، ممکن است تحویل بر اساس مقررات اینکوترمز به صورت فیزیکی نباشد. برای مثال در ترم «اف، سی، ای» تحویل زمانی کامل می شود که فروشنده کالا را به وسیله حمل





مشخص یا نماینده خریدار که در کشور فروشنده است تحویل دهد. (Incoterms, 2020: 28) در این فرض باوجود اینکه خریدار هزاران کیلومتر دورتر است، عمل نماینده وی شرط کنترل مؤثر را محقق می‌سازد.

مقررات بندهای (الف ۴) و (ب ۴) اینکوترمز وظایف هریک از طرفین را در هر کدام از ترم‌ها، در خصوص تحویل مشخص می‌کند. به‌طور مثال در ترم «سی، پی، تی»^۱ تحویل زمانی کامل است که فروشنده حمل کالا را در محل تعیین شده در کشور خریدار تحویل داده و هزینه‌های حمل آن را نیز پرداخت کند و اسناد ذکر شده را نیز تحویل دهد (Incoterms, 2020: 39)؛ لذا بررسی مواد اینکوترمز ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که اصولاً در بسیاری از موارد، تحویل بدون همکاری طرفین ممکن نخواهد بود. در نتیجه در صورتی که خریدار یا نماینده وی در محل تعیین شده حاضر باشند و کالا را تحویل بگیرند، تحویل واقعی صورت گرفته است و در غیر این صورت، یعنی اگر خریدار به هر دلیل در زمان مقرر، بدون اطلاع حاضر نشود از نظر این قواعد، تحویل صورت گرفته و این نوع تحویل را می‌توان تحویل فرضی دانست (دیوسالاری، ۱۳۸۶: ۳۶). در خارج از این موارد در صورتی که عدم تحویل، نتیجه عدم همکاری متعهد^۲ باشد، وی مستحق دریافت خسارت نخواهد بود؛ بنابراین، اجرای بسیاری از تعهدات متعهد در قواعد اینکوترمز نیز بدون همکاری متعهد له امکان‌پذیر نخواهد بود.

بند (۴) ماده (۷۹) کنوانسیون نمونه دیگری است که به تعهد همکاری اشاره کرده است. این بند مقرر می‌دارد:

«طرفی که در اجرای تعهد خود قصور می‌ورزد، مکلف است طی خطاری وقوع حادثه و آثار آن را بر توانایی خود در اجرای تعهد به آگاهی طرف دیگر برساند. چنانچه خطار وی ظرف مدت متعارفی پس از اینکه به حادثه وقوف یافته، به طرف دیگر واصل نشود، طرف قاصر مسئول خسارات ناشی از عدم وصول خواهد بود.»





در خصوص حکم مقرر در بند (۴) ماده (۷۹) ذکر چند نکته ضروری است: اولاً به صرف پیش‌بینی امکان وقوع حادثه، تعهد ارسال اخطار بر عهده فرد قرار نمی‌گیرد. این اخطار زمانی واجب است که حدوث مانع در اجرای تعهد محرز و مسلم باشد. بنابراین هر چقدر هم احتمال بروز حادثه قوی باشد تا زمانی که عرفاً نتوان گفت حتمی‌الوقوع است نمی‌توان طرف قرارداد را مسئول اخطار به طرف مقابل دانست. ثانیاً طرفی که وقوع مانع را به دیگری اطلاع می‌دهد باید نوع مانع و میزان تأثیر آن را بر قرارداد فی‌مابین به اطلاع طرف دیگر برساند. مثلاً اینکه مانع مزبور کل قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یا تنها اجرای بخشی از آن را ممکن می‌سازد و یا اینکه این عدم امکان موقتی است یا برای همیشه مانع اجرای تعهد می‌شود. ثالثاً همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کنوانسیون در مورد مهلتی که این اخطار باید به طرف مقابل برسد نظریه وصول را پذیرفته است. یعنی حتی اگر اخطار فوراً به طرف دیگر ارسال شده باشد، اما ظرف مدت متعارفی به طرف مقابل واصل نشود، ارسال‌کننده مسئول خواهد بود، از لحاظ ارتباط با مقررات دیگر کنوانسیون، این حکم با نظریه‌ای که در مورد ایجاب و قبول پذیرفته شده (ماده ۱۵^۲ و بند (۲) ۱۸^۳ هماهنگ و با ماده (۲۷)^۴ نا‌هماهنگ است. رابعاً قسمت اخیر بند (۴) که می‌گوید «طرف

۱ ماده (۱۵) مقرر می‌دارد: «(۱) ایجاب از زمان وصول توسط مخاطب ایجاب نافذ می‌گردد. (۲) ایجاب حتی در صورتی که به نحو غیرقابل رجوع باشد، قابل انصراف است مشروط بر اینکه اعلام انصراف پیش از وصول ایجاب یا هم‌زمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد.»

۲ بند (۲) ماده (۱۸) مقرر می‌دارد: «قبول ایجاب از لحظه‌ای که اعلام رضا به ایجاب‌کننده واصل می‌گردد، نافذ می‌شود. هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که ایجاب‌کننده تعیین نموده یا در صورت عدم تعیین مدت ظرف یک مدت متعارف به وی واصل نگردد، قبول نافذ نخواهد بود. در محاسبه مدت متعارف، به اوضاع و احوال معامله، من جمله به سرعت وسایل ارتباطی مورد استفاده ایجاب‌کننده توجه لازم معطوف خواهد شد. ایجاب شفاهی باید فوری قبول شود مگر اینکه اوضاع و احوال به نحو دیگری دلالت نماید.»

۳ ماده (۲۷) مقرر می‌دارد: «در مواردی که هر نوع اخطار، تقاضا یا سایر انواع مراسلات توسط یکی از طرفین مطابق این فصل و با وسایلی متناسب با اوضاع و احوال صادر می‌شود، تأخیر یا اشتباه در ارسال یا عدم وصول آن او را از حق استناد به مراسلات مذکور محروم نمی‌سازد مگر اینکه در این فصل از کنوانسیون طور دیگری تصریح شده باشد.»





قاصر مسئول خسارت ناشی از عدم وصول خواهد بود» قابل توجه است. این بدان معنی است که در صورت خودداری از اطلاع دادن به موقع، به طرف مقابل، طرف امتناع کننده تنها مسئول آن بخش از خسارات است که اگر اخطار به موقع واصل می شد امکان جلوگیری از ورود آن وجود داشت؛ یعنی ممکن است اخطار تنها در کاستن از بخشی از خسارات مؤثر باشد. بنابراین طرف قاصر فقط ضامن خسارات ناشی از عدم اخطار است نه خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد (توسلی جهرمی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۰).

لذا، باید توجه داشت که براساس این بند، طرفی که قادر به اجرای تعهدات خود نیست باید طی اخطاری طرف مقابل را مطلع کند، به نحوی که وی فرصت کافی برای انجام اقدامات لازم به منظور جلوگیری از خسارات خویش داشته باشد. تصریح این امر در ماده (۷۹) سبب می شود که بار مسئولیت عدم اطلاع بر عهده طرف خاطی قرار گیرد و او ضامن خسارات طرف غیرمقصر، ناشی از عدم اجرای تعهد و ندادن اخطار شناخته شود. البته به نظر می رسد که اگر چنین تصریحی نیز در کنوانسیون نبود، می توانستیم آن را از عرف بین الملل و قاعده حسن نیت (ماده (۱) ۷ کنوانسیون) استنباط کنیم. همان طور که اشاره شد این اخطار را باید وقتی ارسال کرد که به طور مسلم وقوع مانع و عدم امکان اجرای تعهد محرز شده باشد و در آن جزئیات امر و نتایج آن ذکر شود (عادل، ۱۳۸۰: ۵۲-۵۱).

ماده (۸۰) کنوانسیون نمونه دیگری در این خصوص است. مطابق این ماده هرگاه عدم اجرای تعهدات قراردادی یک طرف قرارداد ناشی از فعل یا ترک فعل طرف مقابل و از جمله آن عدم همکاری وی باشد، متضرر نمی تواند به قصور طرف استناد کند و این به معنای معافیت آن طرف از مسئولیت قراردادی است. برای اینکه این معافیت تحقق یابد، باید عدم انجام تعهد در اثر فعل یا ترک فعل خود متعهد باشد و به اصطلاح رابطه سببیت وجود داشته باشد و لازم نیست که وی مرتکب تقصیر هم شده باشد، بلکه صرف وجود رابطه سببیت کافی است؛ مثلاً فروشنده به دلیل خودداری مشتری از انجام تعهدات لازم برای قبض کالا مطابق ماده (۶۵) کنوانسیون، قادر به اجرای تعهد خود در تسلیم کالا نباشد. لذا می توان چنین نتیجه گرفت که از باب مسئولیت، متعهدی که به دلیل قصور متعهد له قادر به انجام تعهد نیست، در مقابل وی براءت ذمه دارد. نیز باید اشاره کرد که وفق این





ماده، فعل یا ترک فعل متعهدله، هردو ممکن است سبب ایجاد مانع برای انجام تعهد متعهد شود که از حیث تعیین لزوم فعل یا ترک فعل متعهدله بسته به روابط فی مابین دارد. بدیهی است وقوع شرایط مندرج در بند (۱) ماده (۷۹) کنوانسیون در این مورد نیز باید اثبات شود (Honold, 2001: 571).

اگر مدت زمان وجود مانع، محدود و کوتاه باشد و پس از مدت کوتاهی (مثلاً یک ماه) مانع رفع گردد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا فروشنده پس از رفع مانع، باز هم موظف به اجرای تعهدات خویش است؟ همچنین آیا خریدار هم موظف به پذیرش اجرای تعهد پس از رفع مانع است یا خیر؟ بند (۳) ماده (۷۹) مقرر می‌دارد:

«معافیت مقرر در این ماده، ظرف مدتی که حادثه جریان دارد، واجد اثر خواهد بود؛ بنابراین اگر حادثه، اجرای تعهد را برای همیشه غیرممکن سازد، متعهد نیز به‌طور کلی معاف خواهد شد.»

اما بند (۳) ماده (۷۹) ناظر به زمانی است که اجرای تعهد تنها به‌خاطر وجود مانع به تأخیر بیفتد. در این صورت معافیت نیز موقتی است و فقط در همان دوره‌ای که مانع موجود است، جاری می‌شود. با زوال مانع، التزام متعهد نیز بازگشته و از این پس در قبال عدم انجام قرارداد، مسئول پرداخت خسارت خواهد بود. با وجود آنچه گفته شد، این احتمال نیز وجود دارد که تأخیر نقض اساسی محسوب شده و طرف مقابل به استناد بند ۵ تقاضای حق فسخ کند.

براساس این بند، دو طرف پس از وقوع مانع، وفق ماده (۷۹) کنوانسیون می‌توانند غیر از مطالبه خسارت، هر حق دیگری را هم که مقررات کنوانسیون به ایشان داده اعمال کنند. بر این اساس اگر خریدار پس از وقوع تعذر اجرای تعهدات فروشنده تمایلی به ادامه قرارداد نداشت، الزامی به صبر کردن برای دریافت کالا ندارد و می‌تواند نسبت به فسخ آن اقدام کند (ماده ۴۹ کنوانسیون)^{۱۵} مشروط بر اینکه توقف اجرای تعهد یک نقض اساسی

۱ ماده (۴۹) کنوانسیون مقرر می‌دارد: در موارد زیر مشتری می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید: الف. در صورتی که عدم ایفای هریک از تعهدات بایع به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب شود یا ب. در





محسوب شود (ماده ۲۵ کنوانسیون).^۴ اگر خریدار قرارداد را فسخ کرد و به فروشنده هم اطلاع داد، دیگر فروشنده نمی‌تواند پس از رفع مانع، نسبت به اجرای تعهدات خویش و تسلیم کالا به خریدار اقدام کند. به علاوه دیگر وی مسئول خسارات خریدار نیز نخواهد بود (عادل، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۳).

۴. جایگاه تعهد متعهد به همکاری در فقه و حقوق ایران

در فقه و حقوق ایران نیز مواردی وجود دارد که در صورت عدم همکاری متعهد در اجرای تعهد، وی قادر به مطالبه خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد نخواهد بود از جمله خودداری متعهد از قبول اجرای مطابق با قرارداد و وضعیتی که در آن به دلیل اقدام متعهد، اجرای تعهد ناممکن می‌گردد. به نظر می‌رسد موارد تعهد متعهد به اجرای تعهد در فقه و حقوق ایران را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود:

۴-۱. دشواری یا عدم امکان اجرای تعهد به دلیل عدم همکاری متعهد

در فقه و حقوق ایران، در صورتی که عدم ایفاء تعهدات به دلیل اقدامات متعهد باشد، این اقدامات برای متعهد «علت خارجی» محسوب شده و نمی‌توان متعهد را مسئول

صورت عدم تسلیم کالا، هرگاه بایع ظرف مدت اضافی که مطابق بند (۱) ماده (۴۷) توسط مشتری تعیین شده است کالا را تسلیم ننماید یا اعلام کند که ظرف مدت مزبور، کالا را تسلیم نخواهد کرد. مع‌هذا در مواردی که بایع کالا را تسلیم نموده باشد، مشتری حق اعلام بطلان قرارداد را از دست خواهد داد مگر اینکه: الف. در صورت تأخیر تسلیم مشتری ظرف مدت معقولی پس از وقوف به انجام تسلیم اعلام بطلان کند؛ ب. در صورت نقض هریک از تعهدات (از جانب بایع) جز تأخیر تسلیم ظرف مدت معقولی به شرح ذیل اعلام بطلان نماید: (۱) پس از اینکه نسبت به نقض، اطلاع حاصل نموده یا می‌باید اطلاع حاصل می‌کرده است؛ (۲) پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند (۱) ماده (۴۷) توسط مشتری تعیین شده است یا پس از اعلام بایع مبنی بر اینکه ظرف مدت مزبور، تعهدات خود را ایفا نخواهد کرد یا (۳) پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند (۲) ماده (۴۸) توسط بایع تعیین شده است یا پس از اعلام مشتری دایر بر اینکه ایفاء تعهد را قبول نخواهد کرد.

۱ ماده (۲۵) کنوانسیون مقرر می‌دارد: «نقض قرارداد توسط یکی از طرفین هنگامی نقض اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است، اساساً محروم کند، مگر اینکه طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوالی مشابه، نمی‌توانسته است آن امر را پیش‌بینی کند.»





خسارات وارده به متعهدله دانست^۷ (شعاریان، ۱۳۹۰: ۱۳۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۱۴)؛ در این مورد متعهدله حتی حق فسخ قرارداد را نیز نخواهد داشت.^۸ در مورد دشواری در اجرای تعهدات، اگر این دشواری ناشی از اقدامات متعهدله باشد و منجر به عدم امکان اجرای تعهد شود، باید ضمانت اجرایی مشابه با وضعیت عدم امکان اجرای تعهد به دلیل فعل متعهدله بر آن بار نمود. (ر.ش: غمامی و خدادادی، ۱۳۹۴: ۶۳۲) اما در صورتی که متعهد با وجود این دشواری تعهدات خود را اجرا نماید، ظاهراً موردی برای انحلال و تعدیل قرارداد باقی نمی‌ماند. راهکار معمول مواجهه با دشواری در اجرای تعهدات قراردادی، تعدیل قراردادی و یا تعدیل قضایی تعهدات طرفین است. به نظر می‌رسد که مسئله تأثیر اقدامات متعهدله در دشواری اجرای تعهد می‌تواند منجر به تسهیل تعدیل قرارداد در نظام‌های حقوقی شود که تعدیل قضایی قرارداد را پذیرفته‌اند. (یوسف زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۰-۸۲) در مورد تعدیل قراردادی نیز با توجه به ابتدای آن بر اراده طرفین قرارداد، با مانع قانونی روبرو نبوده و فارغ از مبنای آن، با توجه به شرایط قرارداد قابل اعمال خواهد بود. در نتیجه باید پذیرفت که اگر عدم همکاری متعهدله به نحوی باشد که منجر به ناممکن شدن اجرای تعهد برای متعهد گردد، متعهد از تعهد خود بری می‌گردد. از سوی دیگر از دشواری اجرای تعهد ناشی از عدم همکاری متعهدله باشد، این امر می‌تواند با توجه به مقررات قراردادی یا قانونی، منجر به تعدیل قرارداد یا قضایی تعهدات طرفین گردد.

۴-۲. ضروری بودن همکاری متعهدله برای اجرای تعهد

علاوه بر مورد فوق که عمدتاً فعل متعهدله منجر به عدم امکان اجرای قرارداد می‌گردد، مواردی نیز وجود دارد که ترک فعل متعهدله منجر به عدم امکان اجرای تعهدت قراردادی می‌گردد. درواقع، بررسی سوابق فقهی و مواد قانونی نشان می‌دهد که در

۱ ماده (۲۲۷) قانون مدنی مقرر می‌دارد: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به اونمود.»

۲ ماده (۲۴۰) قانون مدنی در این خصوص مقرر داشته: «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط بر نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد.»





مواردی، همکاری متعهد له برای اجرای تعهد ضروری است. برای مثال، در صورتی که متعهد مطابق شرایط تعیین شده در قرارداد اقدام به اجرای تعهد کند، متعهد له مکلف به پذیرش آن بوده و در صورت امتناع وی از پذیرش اجرای تعهد، متعهد می تواند با تصرف دادن موضوع تعهد به حاکم، خود را از هر نوع مسئولیتی مبرا کند. این مسئله تنها مورد اتفاق فقها است (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۱۷؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۲۱)، بلکه بر آن ادعای اجماع نیز شده است. (حائری، ۱۴۱۸، ج ۸: ۲۳۷) قانون مدنی نیز در ماده (۲۶۹) مبتنی بر سابقه فقهی موضوع به این مسئله اشاره نموده است.^{۱۹}

مصادیق بسیاری را می توان یافت که در آن ها، همکاری متعهد له برای اجرای تعهد ضروری است.^{۲۰} برای مثال، اگر مالک امکان ورود پیمانکار به ملک را فراهم نیاورد، پیمانکار امکان اجرای تعهد خود را نخواهد داشت و یا اگر بیمار از تزریق دارو به خود ممانعت نماید، پزشک امکان معالجه را نخواهد داشت. بدیهی است که در این موارد نمی توان متعهد را به دلیل عدم اجرای تعهدات خود مسئول دانست.

۴-۳. همکاری متعهد له موجب تسهیل اجرای تعهد

مواردی نیز وجود دارد که عدم همکاری متعهد له موجب دشواری یا عدم امکان اجرای تعهد نخواهد شد؛ اما می تواند اجرای تعهد را تسهیل نموده و یا هزینه های اجرای آن را برای متعهد کاهش دهد. در این خصوص برخی از حقوق دانان معتقدند که تعهد همکاری متعهد له در طول قرارداد مستمر بوده و در مواردی اجرای قرارداد به علت تعذر مالی دشوار می گردد نیز صادق است. از منظر ایشان اگر شرایط مالی خارج از اراده متعهد وی را در وضعیتی قرار دهد که نتواند تعهدات خود را با شرایط جدید به انجام برساند، نمی توان تنها توقع داشت که متعهد له مانع اجرای قرارداد نگردد، بلکه موظف به همکاری با متعهد است. (بنایی اسکویی، ۱۳۹۲: ۵۲)



۱ وفای به عهد وقتی محقق می شود که متعهد، چیزی را که می دهد، مالک و یا مأذون از طرف مالک باشد و شخصاً هم اهلیت داشته باشد. اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به وسیله ی تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می شود و از تاریخ این اقدام، مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود.

۲ از جمله ماده (۱۵) قانون بیمه ۱۳۱۶، مواد (۲۷۳)، (۳۸۷) و (۴۰۵) قانون مدنی.



این در حالی است که نظریه پذیرفته شده در فقه و حقوق ایران، در مورد تعذر ابتدایی اجرای مدلول قرارداد بطلان است (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۳۲، موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۲۶۵) و در مورد تعذر طاری، بنا به مورد انفساخ و یا فسخ (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۳۲) این نظریه در قانون مدنی ایران نیز مورد پذیرش است. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۷؛ شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۱۳)

با وجود نظریات و مبانی متعددی که برای تعدیل قضایی قرارداد ذکر شده است، دادگاه‌ها نمی‌توانند به‌عنوان یک قاعده کلی اقدام به تعدیل حقوق و تکالیف طرفین قرارداد نمایند. لذا، برخلاف نظریه مزبور، به نظر می‌رسد که متعهدله تعهدی فراتر از شرایط قراردادی و عرف موجود در صنف و یا نوع معامله به عهده ندارد. (رش به: شعاریان، ۱۳۹۰: ۱۲۲) البته در نظام‌های حقوقی که تعهدات کلی همچون تعهد به حسن نیت به‌صورت شرط ضمنی در قراردادها در آمده است، تسهیل اجرای تعهد می‌تواند یکی از مصادیق حسن نیت در اجرای تعهد در نظر گرفته شود. اما در غیر این صورت نمی‌توان تعهدات قراردادی را تا این مقدار توسعه داد. برای مثال، نویسنده مزبور در ادامه تحلیل خود به این نتیجه رسیده است که اگر قراردادی قابل تعدیل قضایی باشد، نمی‌توان اجرای قرارداد را ناممکن تلقی نمود. (بنایی اسکویی، ۱۳۹۲: ۵۲) این در حالی است که در حقوق ایران که تعدیل قضایی قراردادها به‌جز در مواردی که در قانون تجویز شده امکان‌پذیر نیست (یوسف زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۴)، پذیرفتن چنین نظری بسیار دشوار خواهد بود.

به نظر می‌رسد که باید حدودمرزی برای تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد در نظر گرفت؛ بخصوص در مواردی که لزوم همکاری در اجرای تعهد در قانون و یا قرارداد تصریح نشده است و مبتنی بر الزامات عقلی است. این محدوده نباید آن‌چنان گسترده باشد که متعهدله را با دشواری روبرو نماید و از سوی دیگر، نباید آن‌چنان محدود باشد که اجرای تعهد را با مشکل مواجه نماید. به نظر می‌رسد که باید موارد الزام متعهدله به همکاری در اجرای تعهد را محدود به مواردی دانست که عدم همکاری وی، منجر به غیرممکن شدن اجرای تعهد می‌گردد و سایر موارد همچون تسهیل اجرای تعهد در اثر همکاری متعهدله نیازمند تصریح قانون و یا قرارداد است. در تعیین محدوده تعهد متعهدله



توسط دادگاه‌ها نیز می‌توان از معیارهایی همچون ضرورت همکاری متعهد در اجرای تعهد
استناد جست. (شعاریان، ۱۳۹۰: ۱۲۲)



نتیجه‌گیری

بررسی صورت گرفته در این مقاله نشان داد که امروزه، تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد، به‌عنوان یکی از اصول موردتوجه در اجرای تعهدات، به متون قانونی موجود در این زمینه راه یافته است. مبنای اصلی شناسایی این تعهد عبارت است از لزوم رعایت حسن نیت در اجرای تعهدات، رفتار منصفانه و اراده ضمنی طرفین. در واقع، از یک‌سو، لزوم همکاری متعهدله در اجرای تعهداتی که بدون همکاری وی قابل اجرا نمی‌باشند، از یک‌سو لازمه وجود حسن نیت در قراردادها است، از سوی دیگر لزوم رعایت رفتار منصفانه در قراردادها که آن‌هم ازجمله تعهدات طرفین در اجرای تعهدات است، متعهدله را به همکاری در اجرای تعهد وادار می‌دارد و درنهایت، اراده ضمنی طرفین در خصوص لزوم اجرای تعهد، مبنای همکاری متعهدله است. درعین حال، تعهد متعهدله به همکاری، در عین برخی شباهت‌های به تعهد به حسن نیت و رفتار منصفانه، اما دارای قلمرو اختصاصی خود نیز بوده و در اغلب موارد، تعهداتی افزون‌تر از تعهد به حسن نیت و رفتار منصفانه بر متعهدله بار می‌نماید. لذا مواردی را می‌توان یافت که در آن، عدم همکاری متعهدله، به معنای عدم حسن نیت نیست و از سوی دیگر، مواردی نیز وجود دارد که عدم همکاری متعهدله، به معنای نقض تعهد به حسن نیت نیز است. این مسئله به‌روشنی از تصریح تعهد به همکاری در کنار تعهد به حسن نیت و رفتار منصفانه در اصول قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مشخص می‌گردد.

این تعهد در فقه و حقوق ایران مورد تصریح واقع نشده است و دکترین حقوقی نیز به آن توجهی ننموده است. دلیل اصلی این مسئله نیز می‌تواند این باشد که مبانی تعهد متعهدله به اجرای تعهد، همچون حسن نیت، رفتار منصفانه و ...، به نحو مطلوبی در حقوق ایران





مورد توجه قرار نگرفته است. با این وجود، در دو مورد نمونه‌هایی از این تعهد در حقوق ایران دیده می‌شود، مورد اول، فرضی است که در آن، به دلیل عدم قبول اجرای تعهد از سوی متعهدله، اجرای تعهد ناکام می‌ماند و دوم، در مواردی که عدم امکان اجرای تعهد، ناشی از اقدامات متعهدله است که در هر دو مورد، می‌توان عدم همکاری متعهد در اجرای تعهد را علت عدم مسئولیت متعهد در عدم اجرای تعهد دانست.

منابع:

- (۱) اخلاقی، بهروز، امام، فرهاد، ۱۳۸۵ ش، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تهران، مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، چ ۱.
- (۲) اصغری آقمشهدی، فخرالدین، ابوئی، حمیدرضا، ۱۳۸۹ ش، حسن‌نیت در اجرای قرارداد در حقوق انگلیس و ایران، مجله حقوق، سال ۴۰، ش ۲.
- (۳) انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۱ ق، مکاسب (باب خیارات)، قم، انتشارات دار الذخائر، چ ۱، ج ۳۱.
- (۴) آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۹ ق، کفایه‌الاصول، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چ ۱.
- (۵) بغدادی (شیخ مفید)، محمدبن نعمان، ۱۴۱۴ ق، تذکره باصول‌الفقه، بیروت، دارالمفید، چ ۲.
- (۶) بنایی اسکویی، مجید، ۱۳۹۴ ش، تعدیل قرارداد در صورت حدوث تعذر مالی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، سال ۴، ش ۱.
- (۷) توسلی جهرمی، منوچهر، ۱۳۸۵ ش، موارد رفع مسئولیت قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی و حقوق تطبیقی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۷۲.





۸) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸ ش، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران: گنج دانش، چ ۱.

۹) حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ ق، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، چ ۱، ج ۲.

۱۰) حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، ۱۳۶۶ ش، المعتمد فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سیدالشهدا، چ ۱، ج ۱.

۱۱) -----، ۱۴۰۹ ق، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: انتشارات استقلال، چ ۱، ج ۲.

۱۲) حلی، محمد بن ادریس، ۱۴۱۰ ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: جامعه مدرسین، چ ۲، ج ۱.

۱۳) خمینی، سید روح الله، ۱۴۱۸ ق، کتاب البیع، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱، ج ۴.

۱۴) -----، ۱۴۱۰ ق، المكاسب المحرمه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۱، ج ۱.

۱۵) خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۷ ش، مصباح الفقاهه، قم: مکتبی الداوری، چ ۱، ج ۱.

۱۶) قبولی درافشان، سید محمدهادی، ۱۳۸۴ ش، تمیز بیع از سایر عقود، تهران: میزان، چ ۱.

۱۷) دیوسالاری، بیت الله، ۱۳۸۶ ش، «بررسی اشتراک احکام بین عالم و جاهل»، فقه و مبانی حقوق، سال ۴، ش ۷.

۱۸) رضایی زاده، محمدجواد؛ صباغی، مسعود، ۱۳۹۴ ش، مبانی فقهی و قانونی محدودکننده حق مالکیت خصوصی جهت رفع نیازهای عمومی، منتشر شده در وبسایت [http://newLaw.blog.ir/post/23/](http://newlaw.blog.ir/post/23/) آخرین بازدید ۹۴/۷/۲۳.





- ۱۹) شعاریان، ابراهیم، ترابی، ابراهیم، ۱۳۸۹ ش، اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران، انتشارات فروزش، چ ۱.
- ۲۰) شعاریان، ابراهیم، ۱۳۹۰ ش، تعهد همکاری متعهدله در اجرای قرارداد، پژوهش حقوق خصوصی، سال ۸، ش ۱.
- ۲۱) شهیدی، مهدی، ۱۳۸۲ ش، حقوق مدنی (آثار قراردادهای و تعهدات)، تهران: نشر مجد، چ ۱، ج ۳.
- ۲۲) -----، ۱۳۷۷ ش، سقوط تعهدات، تهران، حقوقدان، چ ۴.
- ۲۳) شهید اول، محمد بن مکی عاملی، ۱۴۱۷ ق، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ج ۳.
- ۲۴) طالب احمدی، حبیب‌الله، ۱۳۹۲ ش، مسئولیت پیش‌قراردادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ۱.
- ۲۵) عادل، مرتضی، ۱۳۸۰ ش، قوه قاهره در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۲۱ و ۲۲.
- ۲۶) غمامی، مجید، خدادادی، حسین، ۱۳۹۴ ش، دشوار شدن اجرای قرارداد و اثر آن مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، دوره ۴۵، ش ۴.
- ۲۷) قاسمی حامد، عباس، ۱۳۸۷ ش، حقوق مدنی (شرایط شکل‌گیری قرارداد)، تهران، دراک، چ ۱.
- ۲۸) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱ ش، حقوق مدنی، دوره عقود معین، شرکت انتشار، چ ۷.
- ۲۹) -----، ۱۳۸۳، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴.
- ۳۰) کوثر، رابرت، یولن، تامس، ۱۳۸۸ ش، حقوق اقتصادی، ترجمه دادگر و اخوان، یدالله و حامده، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، چ ۱.





(۳۱) صالحی مازندرانی، محمد، استادی پور، مونا، ۱۳۹۳ ش، ممتنع شدن اجرای قرارداد با نگرشی تطبیقی به فقه، حقوق ایران و کامن لا، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، ش ۱.

(۳۲) موسوی بجنوردی، سید محمد، ۱۳۸۶ ش، «نقش حسن نیت در عقود و قراردادها در فقه و حقوق»، حقوق و علوم سیاسی، ش ۲.

(۳۳) -----، ۱۳۸۹ ش، القواعد الفقهیه، نجف، مطبعه الآداب، ج ۵.

(۳۴) محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۸ ش، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، انتشارات سمت، چ ۹، ج ۲.

(۳۵) یوسف زاده، احمد؛ سخنور، مهدی؛ رستم زاد اصلی، سروش، ۱۳۹۷ ش، تعدیل قضایی قرارداد بر مبنای عدم تعادل اقتصادی آن در حقوق ایران، حقوق آمریکا و اسناد بین المللی، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره ۷، ش ۲.

36) Bianca, Massimo & Bonell, Michael, (1987), Commentary on the International Sales law, the 1980 Vienna Sales Convention, Milano: Giuffre.

37) Garner Bryan, (2019), Black's Law Dictionary, Thomson Reuters; 11th edition.

38) Honnold, John, (2001), Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, UN press, Boston, 7th edition.

39) Incoterms 2020 (ICC rules for the use of domestic and international trade terms), (2020), International Chamber of Commerce (ICC).

40) Lando, Ole & Hugh. Beal, (1999), the principles of European Contract Law, parts I and II, Kluwer Law International, Amsterdam, 1 edition.

41) Lando, Ole, (2001), «salient features of the principles of European contract», Pace International Law Review, 13 (2).



- 42) Van Houtte, H & Wautelet, P, (2001), the duties of parties and the sanctions for non-performance under the CISG, International Business Law Journal, 3.
- 43) van Kotten, ugo, (2006), the principles of European Contract Law (part III) and Dutch Law, Kluwer Law International, Amsterdam.

